

## بحران محیط زیست و توسعه‌ی همه جانبه و پایدار

عبدالعلی لهسانی زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

### مقدمه

تاکنون تعاریف و رهیافت‌های گوناگونی برای توسعه در نظر گرفته شده است. برخی توسعه را به صورت کلی در نظر گرفته، ایده‌هایی جهان شمول برای آن بیان داشته‌اند. برخی دیگر، توسعه را امری ویژه می‌پندارند و آن را به شکل پدیده‌ای خاص زمان‌ها و مکان‌ها می‌دانند و براین باورند که باید هم تعاریف و هم رهیافت‌های تخصصی و منطبق با شرایط زمانی و مکانی عرضه کرد. از سوی دیگر، عده‌ای از جامعه‌شناسان توسعه معتقدند که در جنبه‌های ویژه‌ای از توسعه جوامع باید نظر داد، نظریه‌های توسعه بایستی به صورت بخشی بیان گردند و هر بخش از جامعه را به طور مجزا مورد بررسی قرار داد. در حالی که تعدادی دیگر از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان توسعه براین باورند که باید توسعه را به صورت امری میان بخشی و "همه جانبه"<sup>۱</sup> در نظر گرفت.

بحث دیگری که در جامعه‌شناسی توسعه و دیگر رشته‌های مرتبط با مسئله‌ی توسعه وجود دارد مشاجره بر سر "پایداری"<sup>۲</sup> در مقابل "توسعه به قیمت مصرف بی‌رویه‌ی منابع" است. اخیراً بحث‌های "توسعه پایدار"<sup>۳</sup> بخش اعظمی از نوشته‌های محققان رشته‌های مختلف (جامعه‌شناسی، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد، ترویج، انسان‌شناسی و ...) را تشکیل داده است. در این نوشته‌ها خصوصیات ویژه‌ای برای توسعه در نظر گرفته شده که شاید در نظریه‌های قبلی به برخی از آنها اشاراتی شده است، اما در بحث‌های توسعه‌ی پایدار سعی می‌شود که جامعیت موضوع در نظر گرفته شود.

- 
1. integrated
  2. sustainability
  3. sustainable development

آنچه در این مقاله مدنظر است این که نخست توسعه امری است که باید تمام بخش‌های یک جامعه را در برگیرد و این در برگیری می‌بایستی به گونه‌ای هم زمان و هم سنگ باشد. دوم، توسعه‌ی همه جانبه نمی‌بایستی صرفاً در راستای رشد و به گونه‌ای باشد که نهایتاً به کاهش منابع، تخریب محیط زیست و اغتشاش در ساختار اجتماعی منجر گردد و آینده را به قیمت مصرف‌گرایی حال از یاد ببرد. به عبارت دیگر، توسعه‌ی همه جانبه و توسعه‌ی پایدار باید دو روی یک سکه باشند. حال باید دید که چگونه می‌توان توسعه‌ی همه جانبه را با توسعه‌ی پایدار پیوند زد به گونه‌ای که به وسیله توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی همه جانبه مفهوم واقعی خود را پیدا کند و از طرف دیگر، از طریق توسعه‌ی همه جانبه، پایداری در توسعه به دست آید. در این مقاله سعی شده است که سه محور اصلی به عنوان ابزارهای توسعه‌ی همه جانبه و پایدار تشریح گردند. این محورها عبارتند از، نقش سازمان‌ها در ایجاد توسعه‌ی همه جانبه و پایدار. جایگاه آموزش در رسیدن به اهداف توسعه‌ی همه جانبه و پایدار و بالاخره نقشی که اعضای جامعه می‌توانند در رسیدن به توسعه‌ی همه جانبه و پایدار داشته باشند.

### منظور از توسعه‌ی همه جانبه

توسعه‌ی همه جانبه، هم یک هدف و هم یک روش است. هدف آن ممکن است وسیع (توسعه‌ی چند بخشی یا توسعه‌ی منطقه‌ای) و یا محدود (توسعه‌ی گروه‌های مشخص) باشد. در هدف وسیع، منظور، توسعه‌ی هم‌زمان و مرتبط بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، فن‌شناختی و زیست‌محیطی است. چون نظام اجتماعی از خرده نظام‌های یاد شده تشکیل شده است که به‌طور پویا به یکدیگر متصل و مرتبط‌اند، بنابراین در توسعه‌ی هر قسمت باید توجه داشت که توسعه بر قسمت‌های دیگر آثار خود را خواهد گذاشت. از این رو، هرگاه صحبت از توسعه‌ی همه جانبه می‌شود، باید در نظر داشت که تغییرات یک‌سویه در یک مجموعه ایجاد نشود، چرا که تغییرات ناخواسته‌ای در سایر قسمت‌ها به وجود می‌آید. در این رابطه باید دید که مسئله‌ی توسعه دقیقاً به چه زیر مجموعه‌هایی مربوط می‌شود و کنش متقابل زیر مجموعه‌ها به چه شکلی است، یعنی چه مقدار تغییرات در یک زیر مجموعه، باعث چه مقدار تغییرات در زیر مجموعه‌ی دیگر می‌شود. به دیگر سخن، می‌توان به لحاظ کمی اندازه گرفت که تا چه حد باید در یک زیر مجموعه تغییر ایجاد کرد (لهسانی‌زاده، ۱۳۷۴).

توسعه‌ی همه‌جانبه با هدف وسیع، تنها توسعه‌ی چند بخشی نیست، بلکه توسعه در سطوح خرد، میانه و کلان است. طرفداران توسعه‌ی همه‌جانبه بر این باورند که تمرکز بر سطح خرد به‌عنوان واحد تحلیل توسعه نمی‌تواند راه حلی کامل برای توسعه به‌ارمغان آورد، همان‌طور که شناخت در سطح خرد، تصویر جامع و مانعی از جامعه عرضه نمی‌کند. جوامع خرد به‌عنوان یک نظام، خود در نظام‌های وسیع‌تری (سطوح کشور و بین‌الملل) دارای کارکرداند و متأثر از این دو سطح به‌فعالیت‌های گوناگون مشغول‌اند. از آنجا که شناخت کنش متقابل بین سطح خرد و ساختار مملکت، پیش‌نیاز شناخت ساخت خرد است، بسیاری از تغییرات (یا به بیان دیگر، توسعه) باید با توجه به میزان و نوع برنامه‌های توسعه‌ی ملی باشد. برای نمونه اگر روستا را به‌عنوان سطح خرد در نظر بگیریم، از آنجا که بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، می‌توانند به‌صورت مجموعه، تأثیرات زیادی بر ساختار ملی داشته باشند و هم‌زمان از خط‌مشی‌های ملی متأثر گردند. از طرف دیگر جامعه‌ی روستایی، با ساختار بین‌المللی، حداقل در رابطه‌ی مبادله‌ای، در کنش متقابل است. پس همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، این سه سطح در حال تأثیرگذاری بر روی یکدیگراند.

در توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی محدود، گروه‌های مشخصی در نظر گرفته می‌شوند که باید از همه لحاظ به ایجاد تغییر در آنها همت گماشت. همان‌طور که می‌دانیم، در هر جامعه‌ای گروه‌های گوناگونی وجود دارند. در توسعه‌ی همه‌جانبه، بسیاری از برنامه‌های توسعه باید مخصوص عده‌ای خاص (منظور گروه‌های ویژه) باشند، لذا هیچ لزومی ندارد که همه‌ی برنامه‌های توسعه برای همه اقشار و طبقات جامعه باشد. البته این امر به معنی به فراموشی سپردن گروه‌های اجتماعی خاصی نیست. با توجه به شناخت کارکرد گروه‌های اجتماعی خاص و ویژگی‌های آنها، برای مثال، باید آموزش‌های ویژه‌ای به آنها داده شود که ممکن است گروه‌های دیگر به آن نیاز نداشته باشند و یا قبلاً آن آموزش‌ها را دیده باشند. بنابراین برای هم سطح نمودن گروه‌های اجتماعی، در مراحل نخست توجه متفاوت به گروه‌ها لازم است. در واقع توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی محدود، پیش‌نیاز و بخش ضروری توسعه‌ی همه‌جانبه وسیع و قسمت جدا نشدنی آن است زیرا مرحله‌ی دوم یا اصلی توسعه‌ی همه‌جانبه در مفهوم و اهداف گسترده مطرح می‌گردد. تا اجزای جامعه به‌طور هم سطح آمادگی پذیرش توسعه را نداشته باشند، توسعه‌ی همه‌جانبه صورت نخواهد گرفت.

به‌عنوان یک روش، توسعه‌ی همه‌جانبه سعی می‌کند فعالیت‌های مرتبط با یکدیگر را برای رسیدن کامل به هدف، با هم ادغام کند. چنین استدلال می‌شود که تلاش در به‌کارگیری اجزا به‌طور جمعی و کنش متقابل، منفعت بیشتری نصیب همگان می‌کند. در این روش سعی می‌شود که برنامه‌ریزی و اجرا در یکدیگر ادغام شوند تا بدین وسیله بتوان به حداکثر توسعه دست یافت. به‌عنوان یک شیوه، توسعه‌ی همه‌جانبه بیشتر نقش هماهنگ‌کننده‌ی سازمان‌ها و ارگان‌های درگیر مسئله توسعه را ایفا می‌کند. موفقیت یا عدم موفقیت رهیافت توسعه‌ی همه‌جانبه، به‌عنوان هدف یا روش، در گرو مسایل متعدد است. اما در میان مسایل مختلف، سه مسئله‌ی نقش سازمان‌ها در توسعه، تأثیر آموزش در پیشرفت و توسعه و بالاخره نقش مشارکت عامه در رسیدن به اهداف، از بقیه عوامل مؤثرتر هستند.

### توسعه‌ی پایدار چیست؟

در واژه‌شناسی توسعه، توسعه‌ی پایدار به‌جزیی جدا‌نشده‌ی تبدیل شده است. اصطلاح توسعه‌ی پایدار اولین بار به‌طور رسمی توسط کمیسیون برانتلند<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶ شمسی) در گزارش "آینده‌ی مشترک ما" مطرح شد. این واژه به مفهوم گسترده‌ی آن، "اداره و بهره‌برداری صحیح و کارآ از منابع پایه، طبیعی، مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب توأم با به‌کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب در جهت رفع نیاز نسل امروز و آینده به‌طور مستمر و قابل رضایت را" شامل می‌شود (مکنون، ۱۳۷۴). این کمیسیون توسعه‌ی پایدار را "توسعه‌ای می‌داند که در جهت رفع نیازهای نسل کنونی است، بدون اینکه توانایی‌های نسل آینده را در رفع نیازهایشان کاهش دهد". از این معنی، گزینش راهبردهای توسعه‌ای برداشت می‌شود که سبب حفاظت از کارکرد محیط زیست و همچنین حفاظت از جوامع سنتی می‌شود (کرمی و فنایی، ۱۳۷۳).

توسعه‌ی پایدار، به معنی مدیریت و حفاظت از منابع پایه و معرفی و به‌کارگیری پیشرفت‌های فن‌شناختی و ساختار تشکیلاتی است که از آن طریق بتوان نیازهای انسان‌ها را برای زمان حال و نسل‌های آینده، به‌طور مستمر و رضایتبخش، تضمین نمود. توسعه‌ی

پایدار که سبب حفاظت از اراضی، منابع آب و منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری می‌شود، نه تنها مخرب محیط نیست، بلکه از نظر فنی متناسب، از لحاظ اقتصادی باارزش و از نظر اجتماعی قابل قبول است (حسینی عراقی، ۱۳۷۲). این تعریفی است که "سازمان خوارسار و کشاورزی"<sup>۱</sup> از توسعه‌ی پایدار عرضه کرده است. به نظر مخدوم، "بازده حداکثر و پایدار مفهوم واقعی توسعه‌ی پایدار است" (مخدوم و عرب‌زاده مقدم، ۱۳۷۵: ۸). توسعه‌ی پایدار به‌عنوان یک مفهوم، براساس برابری نسل‌ها به این معنی است که نسل‌های حاضر نباید توانایی نسل‌های آینده را برای استفاده از منابع از بین ببرند (باتی، ۱۹۸۹).

آنچه مسلم است، توسعه‌ی پایدار را نباید تنها به عنوان مجموعه‌ای از روش‌ها به حساب آورد، بلکه باید آن را نوعی بینش قلمداد نمود که در آن جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی فلسفی نهفته است و ابعاد فرهنگی آن کمتر از جنبه‌های فنی و تکنیکی مربوطه نیست (ادوارد و دیگران، ۱۳۷۴). اگر تنها جنبه‌های اقتصادی و حفظ محیط زیست را در پایداری در نظر گیریم، توسعه‌ی پایدار به گونه‌ای ابزار ضد توسعه تبدیل خواهد شد (امینی، ۱۳۷۳).  
لله توسعه‌ی پایدار را متشکل از دو قسمت "توسعه" و "پایداری" در نظر گرفته است. در رابطه با توسعه، فرآیند و اهداف مطرح است. فرآیند، رشد و تغییر را در بردارد و اهداف نیازهای اولیه را نشان می‌دهد. پایداری باید در سه زمینه‌ی اجتماعی، محیطی و فیزیکی وجود داشته باشد. در نتیجه توسعه‌ی پایدار، یعنی پایداری در اشیاء، حفظ محیط طبیعی و تعادل اجتماعی از طریق فرآیندهای رشد و تغییر و برطرف نمودن نیازهای معقول انسانی (لله، ۱۹۹۵).

به نظر کرمی، سه مکتب فکری در مورد توسعه‌ی پایدار وجود دارد:

۱. مکتب فکری با ملاحظات اقتصادی که براساس نظریه‌های این مکتب، هر راهبردی که به افزایش بهره‌وری و سود نینجامد، ناپایدار محسوب می‌شود.
۲. مکتب فکری با ملاحظات زیست‌محیطی که به پایداری از نقطه نظر زیست محیطی توجه می‌کند و عقیده دارد هر فعالیتی که محیط زیست را آلوده یا تخریب نماید و یا تعادل

زیست محیطی را بر هم بزنند، ناپایدار تلقی می‌شود.

۳. مکتب فکری با ملاحظات حفظ منابع محیط اجتماعی که به پایداری از نقطه نظر حفظ ارزش‌های انسانی و اجتماعی توجه دارد و بر این باور است که هر فعالیتی که محیط اجتماعی را نامتعادل سازد، نمی‌تواند توسعه‌ی پایدار را در برداشته باشد (کرمی، ۱۹۹۵: ۶۳-۶۲).

سازمان ملل متحد مفهوم توسعه پایدار را در برگیرنده‌ی جنبه‌های زیر می‌داند:

۱. کمک به تهیدستان زیرا برای آنان راهی جز تخریب محیط زیست باقی نمی‌ماند.

۲. توجه به تفکر توسعه‌ی خودی در چارچوب محدودیت‌های منابع طبیعی.

۳. توجه به مؤثر بودن توسعه با به کارگیری ویژگی‌های اقتصادی غیر سنتی.

۴. در نظر گرفتن موضوعات مهم فناوری مناسب، بهداشت و مسکن برای همه.

۵. درک این واقعیت که انگیزه‌های مردم محوری مورد نیاز است (حیاتی، ۱۳۷۴: ۱۹).

کنفرانس جهانی حفاظت و توسعه در اوتاوا، کانادا، توسعه‌ی پایدار را در پی نیل به

اهداف ذیل بیان کرده است:

الف: بهم پیوستگی حفاظت محیط زیست و توسعه.

ب: رفع نیازهای اساسی انسان‌ها.

پ: دستیابی به برابری و عدالت اجتماعی.

ت: در نظر گرفتن خردگرایی اجتماعی و گونه‌گونی فرهنگی.

ث: نگهداری تمامیت زیست محیطی (مخدوم و عرب‌زاده مقدم، ۱۳۷۵: ۳۰-۲۹).

کمیسیون جهانی محیط زیست نیز اهداف کارکردی توسعه‌ی پایدار را چنین برشمرده

است:

۱. تغییر کیفیت رشد؛ ۲. رفع نیازهای ضروری برای اشتغال، غذا، انرژی، آب و بهداشت؛

۳. افزایش رشد؛ ۴. کنترل جمعیت در یک حد پایدار؛ ۵. حفاظت و نگهداری منابع؛ ۶.

دگرگونی تکنولوژیکی؛ ۷. مدنظر قرار دادن محیط زیست و اقتصاد با هم در تصمیم‌گیری‌ها؛

۸. دگرگون کردن روابط بین‌المللی اقتصادی؛ ۹. مشارکتی کردن توسعه (مخدوم و عرب‌زاده

مقدم، ۱۳۷۵: ۳۰).

شاید بتوان با باتی هم داستان شد و بیان کرد که توسعه‌ی پایدار وسیله‌ای است برای:

۱. از بین بردن فقر؛ ۲. حفظ محیط زیست؛ ۳. حفظ منابع طبیعی جهان؛ ۴. ایجاد راه‌های بدیل تجدید منابع؛ ۵. تشویق افزایش سطح استاندارد زندگی؛ ۶. ایجاد خود اتکایی؛ ۷. حفظ زندگی در مقابل سموم مختلف و ۸. احترام به ارزش‌های والای انسانی (باتی، ۱۹۸۹: ۱۰۸۷). توسعه‌ی پایدار دارای ابعاد فراوانی است که یک جنبه از آن "پایداری در کشاورزی" است و با مفهوم "کشاورزی پایدار" تبیین می‌شود. برای نمونه، ویلیامز تعریف زیر را از کشاورزی پایدار ارائه می‌دهد:

"یک نظام کشاورزی پایدار، نظامی است که از مواد شیمیایی، به گونه‌ای استفاده نماید که در نهایت نه موجب متلاشی شدن و زوال خودش گردد و نه با انتقال آن به محیط زیست، اکوسیستم را دچار مخاطره نماید" (ویلیامز، ۱۹۹۱: ۳۲).

عده‌ای در تعاریف خود از کشاورزی پایدار از ثبات کلی محیط طبیعی، زیستی و اجتماعی سخن به میان آورده‌اند (مظاهری، ۱۳۷۲). عده‌ای دیگر بر لزوم روند تولید طولانی و دراز مدت تأکید کرده‌اند (سنانایاک، ۱۹۹۱: ۸). و بالاخره گروهی دیگر بر حفظ کیفیت محیط و افزایش ذخایر منابع طبیعی انگشت نهاده‌اند (صدراقتی، ۱۳۷۱: ۱۳). در مجموع، کشاورزی پایدار شامل مدیریت موفق منابع برای کشاورزی است تا از این طریق بتواند نیازهای متغیر انسانی را برطرف نماید و از سوی دیگر خصوصیات کیفی محیط زیست را حفظ کرده و یا افزایش دهد و بالاخره از منابع طبیعی حفاظت به عمل آورد.

### چگونه می‌توان به توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار وارد شد

"توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار" در معنا و مفهوم حاصل فرآیندی است در کلیه‌ی ابعاد، پایدار، مستمر و فراگیر و بدین‌سان، در برگیرنده و هماهنگ‌کننده‌ی کلیه‌ی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فن‌شناختی و زیست‌محیطی یک جامعه یا ملت. همه‌جانبه بودن و پایداری شامل اثرات متقابل و پیچیده‌ی عوامل نامبرده است. این نوع توسعه باید از نظر فن‌شناختی و زیست‌محیطی مناسب، از نظر اقتصادی - سیاسی توجیه‌پذیر و از لحاظ اجتماعی - فرهنگی مطلوب باشد.

برای رسیدن به مقصود توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار باید چهار متغیر اصلی زیر مورد

توجه قرار گیرند:

۱. ارزیابی توانایی‌های طبیعی جامعه مورد نظر؛

۲. تعیین ساختار زیربنایی موجود؛

۳. تشخیص نیروی انسانی موجود برای توسعه؛

۴. مقدار منابع مالی قابل دسترس در کشور.

پس در گام نخست باید استراتژی‌های ملی برای سازمان‌های دخیل در جریان توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار در زمینه‌های ملی حفاظت، احیاء و بهبود محیط زیست، تولید پایدار و بالاخره توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار اجتماعی و فرهنگی طراحی شود. گام دوم در جهت ورود به جریان توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، آموزش است. آموزش یعنی فراهم‌سازی آن زمینه‌های فکری و فرهنگی که براساس بررسی‌های انجام شده از عوامل عمده‌ی توسعه یا پیشرفت کلی جامعه است. و بالاخره گام سوم جلب مشارکت‌های مردم در امر توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار است. در این مرحله باید کاری کرد که عامه‌ی مردم در توسعه‌ی مستمر بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات مشارکت مداوم داشته باشند.

توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار مستلزم وجود استراتژی بلندمدت تولیدی و متضمن سیاست‌های اجرایی ویژه در خصوص رشد کمی و کیفی تولیدات کشاورزی، صنعتی و خدماتی است. در جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، استراتژی توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار باید بهره‌گیری هر چه بیشتر و مطلوب‌تر از زندگی را به‌عنوان گرانبهاترین سرمایه، در اولویت قرار دهد و در نهایت بهبود فراگیر، جامع و پایدار شرایط تأمین اجتماعی - فرهنگی جامعه را در نظر گیرد. استراتژی‌های منتخب ملی باید با توجه و در قالب توصیه‌های جهانی و بین‌المللی باشد. به‌طور کلی در استراتژی توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار می‌بایستی سازمان‌های دخیل در امر توسعه، آموزش‌های لازم برای شناخت توسعه‌ی پایدار را به مردم بدهند تا عامه‌ی مردم به مشارکت در توسعه‌ی جامعه‌ی خود راغب شوند.

### نقش سازمان‌ها در توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار

به‌طور کلی برای اجرای توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، یک سازماندهی کشوری لازم



است تا براساس آن وزار تخانه‌ها و سازمان‌هایی که در این زمینه کار می‌کنند، همسو با هم فعالیت کنند. در بسیاری از کشورها، برای انجام توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار سازمانی تحت عنوان "سازمان سرزمین"<sup>۱</sup> وجود دارد. در این سازمان فعالیت‌های مربوط به توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار به صورت هماهنگ و منطقی پیش می‌رود. در واقع در برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، هیچ مؤسسه یا سازمانی نمی‌تواند بگوید حرف اول را ما می‌زنیم و توسعه متعلق به ما است. توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار امری کاملاً میان سازمانی و بین بخشی است.

نقش سازمان‌های رسمی و غیررسمی در توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار بر کسی پنهان نیست. شرکت و تعهد کلیه‌ی گروه‌های اجتماعی، شرط لازم جهت اجرای مؤثر اهداف، سیاست‌ها و سازوکارهای توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار است. سازمان‌های رسمی بین‌المللی (سازمان ملل متحد، فائو و ...) با اهمیت دادن به مسئله‌ی توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار و با پی‌گیری و اختصاص بودجه‌هایی برای این منظور می‌توانند بیشترین مشارکت را داشته باشند. ضمناً سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند کشورها و دولت‌ها را مجبور به اجرای اصول توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار نمایند و از اقتدار خود و وابستگی کشورها به این سازمان‌ها استفاده کنند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌عنوان بدنه‌ی عالی بحث و سیاستگذاری، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به‌عنوان دستگاه نظارت بر امر هماهنگی وسیع سازمان که در مقابل مجمع عمومی پاسخگو است، دبیرکل سازمان ملل متحد به‌عنوان مقام کل اجرایی و آژانس‌های فنی به‌عنوان دستگاه‌های تخصصی در امر توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار دخیل هستند و می‌توانند دارای نقش تعیین‌کننده باشند. این سازمان‌ها از طریق تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی توانسته‌اند نقش مؤثری ایفا نمایند. برای نمونه در سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۱ شمسی) برگزاری کنفرانس ریو در برزیل از طرف مجمع عمومی سازمان ملل، ۲۱ اصل را در زمینه‌ی توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار به کشورهای جهان توصیه نمود:

۱. اصلاح تجارت بین‌المللی مبتنی بر عدم تبعیض؛ ۲. مبارزه با فقر؛ ۳. توسعه‌ی کوهستان‌ها؛ ۴. تغییر الگوی مصرف؛ ۵. توسعه‌ی کشاورزی پایدار؛ ۶. برنامه‌های کنترل جمعیت؛ ۷. حفظ تنوع گونه‌های زیستی؛ ۸. حمایت از سلامت انسان؛ ۹. بیوتکنولوژی پایدار؛ ۱۰. تأمین مسکن مناسب برای انسان‌ها؛ ۱۱. حفاظت اقیانوس‌ها؛ ۱۲. تلفیق امور توسعه با محیط زیست؛ ۱۳. حفاظت و مدیریت منابع آب؛ ۱۴. حفاظت از اتمسفر؛ ۱۵. مدیریت مواد شیمیایی سمی؛ ۱۶. بهره‌برداری مناسب از زمین؛ ۱۷. مدیریت ضایعات خطرناک؛ ۱۸. مبارزه با نابودی جنگل‌ها؛ ۱۹. مدیریت زباله‌های جامد و خطرناک؛ ۲۰. کویرزدایی؛ ۲۱. مدیریت زباله‌های اتمی (مکنون، ۱۳۷۴: ۵-۷).

نقش سازمان‌های دولتی در ایجاد و پیاده کردن توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار بسیار تعیین‌کننده است. سازمان‌های دولتی به علت آن که مردم تابع و بسیار وابسته به آنها هستند می‌توانند به شیوه‌های گوناگون مردم را در اجرای توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار تشویق و یا ترغیب نمایند. از طرف دیگر سازمان‌های غیردولتی داخلی و خارجی به موازات سازمان‌های دولتی، حفاظت محیط زیست و اشاعه توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار را در دستور کار خود قرار می‌دهند. آگاهی دادن در مورد مسایل توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار از عهده این سازمان‌ها به خوبی برمی‌آید و از این طریق می‌توانند نفوذ زیادی اعمال نمایند. در برخورد با توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، سازمان‌ها و مؤسسات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست سازمان‌ها و مؤسساتی که مسئله‌ی توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار را پذیرفته‌اند و اصول آن را رعایت می‌کنند. دوم مؤسساتی که این نوع توسعه را نپذیرفته‌اند و خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول آنهایی هستند که به اهمیت توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار واقفند ولی منافع خود را بر منافع جامعه و آینده ترجیح می‌دهند و گروه دوم که به ویژگی‌ها و شیوه‌های اجرایی این فرآیند آگاهی و آشنایی ندارند یا تاکنون به اهمیت بیش از حد آن پی نبرده‌اند و لذا از همان نظام‌های قبلی پیروی می‌کنند.

بالاخره گروه‌های اجتماعی مختلف مانند زنان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان، سالخوردگان و گروه‌های شغلی (مانند کارگران، کشاورزان و ...) و سایر گروه‌های اجتماعی هر یک به سهم خود به علت مؤثر بودن در جریان توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار و داشتن منافع

مشترک در امر توسعه، باید در جریان توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار قرار گیرند. مقامات محلی و بومی به دلیل نفوذی که بین مردم دارند می‌توانند بسیار مؤثر واقع شوند. همچنین ریش سفیدان، روشنفکران و کلیه‌ی اقشاری که به نحوی روی مردم نفوذ دارند می‌توانند در فرآیند توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار نقش مؤثری داشته باشند.

### نقش آموزش در توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار

دانش رکن اساسی پیشرفت و ساز و کار آن تابعی از آموزش مستمر است. آموزش هزینه‌ی سنگینی به دنبال خواهد داشت. لیکن همان‌گونه که تجربیات سایر کشورها نشان می‌دهد، بازدهی اقتصادی طرح‌های آموزشی در دراز مدت در آینه‌ی عملکرد توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار انعکاس خوشایندی خواهد داشت. اگر چه آموزش به تنهایی عامل توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار نمی‌گردد، لیکن در توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار واسطه‌ی اصلی و عنصری ضروری محسوب می‌گردد. آموزش افراد در جریان توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار از دو جنبه‌ی حایز اهمیت است: نخست به دلیل تغییر شکل منابع و انجام فعالیت‌های مختلف اقتصادی - اجتماع؛ دوم، به دلیل نقش انسان به عنوان تسریع‌کننده‌ی صحنه‌های تولید در شکل مدیریت و تلفیق صحیح عوامل تولید.

نظام‌های آموزشی رسمی و غیررسمی در اجرا و کارکرد آموزش توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار قابلیت‌های فراوانی دارند. بهره‌گیری از هر دو نظام در آموزش راهبردهای توسعه‌ی پایدار ضرورت دارد. در هر دو نظام، دو نوع آموزش می‌بایست مدنظر قرار گیرد: ۱. آموزش تخصصی، ویژه‌ی متخصصان و محققان؛ ۲. آموزش عمومی، ویژه‌ی عامه‌ی مردم به ویژه کشاورزان. جهت‌ارایی آموزش به هر یک از دو گروه فوق‌از سه روش می‌توان بهره‌جست: الف: در "روش انفرادی"، آموزشگر در تماس نزدیک با فراگیر به توجیه و تشریح مسایل توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار می‌پردازد.

ب: "روش گروهی" غالباً زمانی مطرح می‌شود که جمعیتی کوچک مسایل مشترکی دارند و امکان آموزش انفرادی فراهم نیست، در نتیجه از روش‌هایی مانند نمایش طریقه‌ای، نتیجه‌ای، سخنرانی، اسلاید، فیلم، بازدیدهای گروهی، کنفرانس‌ها، سمینارها و

گردهمایی‌های مختلف استفاده می‌شود.

ج: از "روش انبوهی" وقتی استفاده می‌شود که آموزش همزمان افراد در مکان‌های مختلف و در سطح وسیعی میسر و مقدور نباشد. در این شرایط از پوسترها، نشریات، مجلات، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون استفاده می‌شود.

اصول راهبردی در آموزش توسعه‌ی همه جانبه و پایدار به شرح زیر است:

۱. تدوین دستورالعمل‌های مناسب جهت ملحوظ نمودن موضوعات مربوط به توسعه‌ی همه جانبه و پایدار در برنامه‌های آموزشی.

۲. ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی در مؤسسات و ارگان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی جهت

توجه به موضوعات توسعه‌ی همه جانبه و پایدار.

۳. انتقال به موقع اطلاعات و دانش توسعه‌ی همه جانبه و پایدار به سیاستگذاران و

عامه‌ی مردم.

از طریق سه اصل فوق است که همه‌ی افشار جامعه و به عبارت دیگر همه‌ی خرده نظام‌های اجتماع در مسئله‌ی توسعه‌ی همه جانبه و پایدار درگیر می‌شوند. در واقع اگر آموزش‌ها برای همگان باشد، عامه‌ی مردم احساس مسئولیت خواهند کرد و توسعه‌ی همه جانبه و پایدار متعلق به کلیه‌ی اعضای جامعه خواهد بود. فرصت برابر برای آموزش دیدن و فراگیری اصول توسعه‌ی همه جانبه و پایدار، در مشارکت همگان در امر توسعه مؤثر واقع خواهد شد. باید به همه‌ی اعضای جامعه آموزش داد که در جریان توسعه‌ی همه جانبه و پایدار، هر کسی به اندازه‌ی توان و مهارتش، گوشه‌ای از امر توسعه را بگیرد و به طور مؤثری در پیشبرد هدف‌های توسعه‌ی همه جانبه و پایدار بکوشد.

### نقش مشارکت عامه در توسعه‌ی همه جانبه و پایدار

مفهوم مشارکت نیز مانند مفهوم توسعه، دارای تعبیرهای متعدد است. مشارکت در واقع نوعی رفتار اجتماعی، مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است. مشارکت عبارت است از "میزان دخالت اعضای نظام در فرآیند تصمیم‌گیری" (ملک محمدی، ۱۳۷۴: ۱۹). در حقیقت جوهر مشارکت، منابع مشترک گروه در جامعه و منافع مشترک فرد در گروه است.

عوامل مختلفی موجد و مشوق مشارکت هستند که هر یک به نوبه‌ی خود می‌تواند در توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، نقش مشخص و مؤثری داشته باشد. این عوامل عبارت‌اند از: مردم، زمینه‌های حرفه‌ای، توان و قابلیت‌های فردی، وجود مشکل، مشترک بودن مشکل، تفاهم، شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی، نیاز به تغییر، انطباق و قبول وضعی جدید.

در توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار می‌بایستی از "تکنیک‌های مردمی"<sup>۱</sup> و یا "تکنیک‌های مشارکتی"<sup>۲</sup> استفاده کرد. کارآیی این دو نوع تکنیک بستگی به تشریک مساعی مردم، کارکنان میدانی، محققان و سایرین دارد. بنابراین توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، نوعی الگوی کنش متقابل و همکاری بین این عوامل است. در تکنیک‌های مردمی و مشارکتی، نخست دانش درون‌زای جامعه به‌عنوان اساس توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار مورد تأکید ویژه قرار می‌گیرد. دوم، تقویت ظرفیت‌ها و استعدادهای مردم به منظور رسیدن به توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد. سوم، در پی درگیر نمودن تمام اعضای جامعه در فعالیت‌های پژوهش و توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار است. چهارم، روش‌های مورد استفاده عموماً سریع، کم‌هزینه و از جنبه‌ی محلی قابل اجرا هستند.

در توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار مردم باید در تمامی روند توسعه (از طراحی تا اجرا و ارزشیابی و ...) مشارکت داشته باشند. این خود مردم هستند که مسیر تحولات و سمت و سوی برنامه‌های توسعه را تعیین می‌کنند. در واقع، دولت در روند برنامه‌ریزی مردم مشارکت می‌کند، نه مردم در برنامه‌های دولت. در این تعریف و برداشت از توسعه، واژه‌ی مشارکت، خود یک هدف است که برای رسیدن به آن، طی نمودن مراحل زیر ضروری است:

### ۱. ارزشیابی نیازها و طراحی پروژه

الف: گفت و شنود دو طرفه بین دستگاه‌های دولتی و مردم که هدف آن برقراری ارتباط دو سویه و متوازن بین مردم و مسئولان و کارشناسان است و منجر به شناخت بیشتر طرفین می‌شود.

ب: بهره‌گیری از دانش بومی و ارزش‌های قابل‌شدن برای آن و برقراری ارتباط دوسویه و مثبت بین دانش بومی مردم و دانش علمی و دانشگاهی.

## ۲. اجرا

الف: مردم باید احساس کنند که می‌توانند در تمامی مراحل اجرای پروژه تصمیم‌گیری نمایند. و همه چیز قابل‌تغییر است.

ب: وظیفه‌ی ما افزایش توان و ظرفیت‌های مردم برای سازماندهی و ایجاد تشکیلات است.

ج: باید بین مردم و دستگاه‌های اجرایی هماهنگی ایجاد شود.

## ۳. بازنگری

الف: از فعالیت‌های انجام‌شده، بازنگری منتقدانه صورت گیرد و این امر به‌صورت یک چرخه‌ی مداوم و مستمر ادامه یابد. در این بازنگری، باید نظر مردم را دخیل نمود و به طرز تلقی آنان بیشتر اهمیت داد.

ب: تأثیر توسعه بر گروه‌های ضعیف، ناتوان و فقیر مطالعه گردد و مشخص شود که آیا وضعیت آنان بهبود یافته است یا خیر (رایت، ۱۳۷۶).

ج: تأثیر توسعه بر کل جامعه و بر اقتصاد محلی بررسی گردد و مشخص شود که منابع محلی چگونه مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟ چقدر از ارزش افزوده طرح‌های انجام‌شده به مردم رسیده و چقدر از منطقه خارج شده است؟

در الگوها و روش‌های مشارکتی مردمی، مردم با روند استفاده از منابع آشنا می‌شوند و برای برنامه‌ریزی‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های آینده آموزش می‌بینند. ساختار تصمیم‌گیری و رفتار کارشناسان، محققان و مسئولان امر عوض می‌شود و در نهایت، مردم خود را در موقعیت بهتری می‌بینند.

## نتیجه‌گیری

امروزه مسئله‌ی توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، هم در جهان توسعه‌یافته و هم در دنیای در حال توسعه مورد نظر و توجه است. توسعه به مفهوم واقعی کلمه با بار معنایی پیشرفت یا

تعالی باید همه جانبه، فراگیر و پایدار باشد تا تحرک همگون و همسوی نیروهای نهفته در درون جامعه را باعث گردد. هنگامی که سخن از همه جانبه بودن توسعه پیش می‌آید، جامعه یک نظام در نظر گرفته می‌شود که کلیه اجزاء آن نیازمند تغییر در جهت افزایش کمی و کیفی می‌باشند. زمانی این تغییر می‌تواند مفید باشد که در مسیر پایایی باشد. به عبارت دیگر توسعه‌ی همه جانبه بدون توسعه‌ی پایدار، معنای انسانی خود را از دست می‌دهد. در توسعه‌ی پایدار حفظ منابع و محیط زیست و سهم آیندگان از آن مطرح است. توسعه نباید به قیمت از بین رفتن امکانات نسل‌های آینده باشد. در توسعه‌ی همه جانبه و پایدار باید کل امکانات جامعه به صورت یک مجموعه، ضمن در دسترس بودن همگان، برای نسل‌های آینده حفظ شود. منابع و امکانات باید تجدید شونده و فزاینده باشند، نه از بین رونده و کاهش یابنده.

برای رسیدن به توسعه‌ی همه جانبه و پایدار باید مؤسسات مختلف درگیر جریان توسعه باشند و ضمن انجام تحقیقات علمی، امکانات بالقوه و بالفعل جوامع را بسنجند و ضمن جمع‌آوری اطلاعات و فن‌آوری‌های مناسب، آموزش‌های لازم را به افراد جامعه بدهند. بدون شک آموزش توسعه‌ی همه جانبه و پایدار مستلزم هزینه‌هایی است که مؤسسات مختلف و به ویژه مؤسسات دولتی و بین‌المللی باید آنها را متقبل شوند. تا زمانی که مردم عادی آموزش‌های لازم را در زمینه‌ی توسعه‌ی همه جانبه و پایدار نبینند، رسیدن به اهداف توسعه‌ی واقعی با مشکل روبرو خواهد شد. آموزش مردم در واقع بستر مشارکت‌های مردمی را در امر توسعه‌ی همه جانبه و پایدار آماده می‌سازد.

هرگاه انسان‌ها احساس کنند که در توسعه‌ی جامعه‌ی خود می‌توانند مؤثر باشند و مورد توجه نیز هستند، با توجه به آموزش‌هایی که دیده‌اند، ترجیح می‌دهند که به‌طور شایسته‌ای مشارکت کنند. مشارکت در توسعه‌ی همه جانبه و پایدار زمانی دارای بازدهی مثبت خواهد بود که مردم در کلیه‌ی مراحل توسعه از طراحی تا بهره‌گیری شرکت داشته باشند. شرکت عامه‌ی مردم در همه‌ی مراحل توسعه به معنی رها کردن فرآیند توسعه به حال خود نیست. در جریان توسعه باید بین سازمان‌های دست‌اندرکار توسعه و جامعه‌ای که قرار است توسعه‌ی همه جانبه و پایدار در آن صورت گیرد یک رابطه‌ی ارگانیک وجود داشته باشد. این رابطه باعث می‌شود که اولاً در امر توسعه نوعی نظم برقرار باشد، ثانیاً بسیاری از هزینه‌های توسعه کاسته شود و ثالثاً توسعه با سرعت بیشتری به دست آید.

در مجموع، در توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، مسایل نظم، هماهنگی، کلیت و تداوم از ویژگی‌های اساسی نظام توسعه است و جوامع در سایه‌ی این چهار عنصر ارتقاء کمی و کیفی خواهند یافت. ارتقاء سطح توسعه بستگی به کنش متقابل بین مردم و سازمان‌های اجتماعی با واسطه‌ی آموزش دارد. هر چه سازمان‌ها آموزش‌های گسترده‌تری به مردم بدهند، احتمال مشارکت آنها در جریان توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار بیشتر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- ادوارد، سی.آ. و دیگران ۱۳۷۴. **کشاورزی پایدار**. برگردان عوض کوچکی، محمد حسینی و ابوالحسن هاشمی دزفولی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- امینی، امیر هوشنگ ۱۳۷۳. "توسعه پایدار، شناخت مفهوم، شناخت راه" **مجلس و پژوهش**، سال دوم، شماره های ۱۲-۱۴: ۱۲۲.
- حسینی عراقی، هادی ۱۳۷۲. "درآمدی به ضرورت توسعه پایدار کشاورزی و روستایی ایران"، **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال اول، شماره ۱: ۸۰-۸۸.
- حیاتی، داریوش ۱۳۷۴. **سازدهای اجتماعی، اقتصادی و تولیدی - زارعی مؤثر بر دانش فنی، دانش کشاورزی پایدار و پایداری نظام زراعی در بین گندمکاران استان فارس**، رساله‌ی کارشناسی ارشد بخش ترویج آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز.
- رایت، سوزان ۱۳۷۶. "مشارکت و توسعه: ایده‌ها و تجارب" **جهاد**، سال هفدهم، شماره ۴۲: ۱۹۵.
- صدادقتی، محمد ۱۳۷۱. "سیستم‌های کشاورزی پایدار و نقش آن در حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی" **مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور**، مشهد: انتشارات سازمان ترویج کشاورزی - **مقالات علمی**.
- کریمی، عزت‌الله و ابوطالب فنایی ۱۳۷۳. **بررسی نظریه‌پردازی‌ها در ترویج**، (جلد دوم). تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی سازمان جهادسازندگی.
- لهسانی‌زاده، عبدالعلی ۱۳۷۴. "توسعه روستایی همه جانبه" **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال سوم، شماره ۹: ۸۹-۱۱۱.
- مخدوم، مجید و مهدی عرب‌زاده مقدم ۱۳۷۵. **توسعه پایدار**، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی سازمان جهادسازندگی.
- مظاهری، داریوش ۱۳۷۲. "کشاورزی پایدار" **مجموعه مقالات اولین کنگره زراعت و اصلاح نباتات ایران**، کرج: دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.
- مکنون، رضا ۱۳۷۴. "توسعه پایدار" **بنا**، شماره اول: ۵-۷.
- ملک محمدی، ایرج ۱۳۷۴. "شاخص‌های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی"

Batie, Sandra S., 1989. "Sustainable Development: Challenges to the Profession of Agricultural Economics," **American Journal of Agricultural Economics**, December: 1083-1101.

Karami, Ezatolloah, 1995. "Agricultural Extension: The Question of Sustainable Development in Iran," **Journal of Sustainable Agriculture**, Vol. 5, No. 1/2: 62-63

Lele, Sharachanram M. 1995. "Sustainable Development: A Critical Review," **World Development**, Vol. 19, No. 6: 608.

Senanayake, R. 1991. "Sustainable Agriculture: Definitions and Parameters for Measurment," **Journal of Sustainable Agriculture**, Vol. 1, No. 4: 8.

Williams, S. 1991. "Search for Sustainability", **Agricultural Science**, Vol.2, No. 4: